

جنبش زنان روستایی آلمان شرقی در سال ۱۹۸۹

(به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زنان)



در شانزدهم دسامبر ۱۹۸۹ گروه‌های عظیمی توسط گروه‌های مختلف زنان با عقاید و خط مشی‌های مختلف فکری در سالن دانشگاه برلین با طرح اساسنامه مشترکی برای جنبش مستقل زنان برگزار گردید، اساس گروه‌هایی مذکور بر این مبنا بود که قادر باشد زمینه‌های دخالت فعال زنان جمهوری دموکراتیک آلمان (آلمان شرقی) را در تغییر و تحولات جاری فراهم نماید. تشکلات مستقل زنان در آن کشور تنها پس از گشایش نسبی یک فضای سیاسی باز و مسالمت آمیز، شروع به پیدایش و ابراز وجود کرده بود.

در این جلسه بحث در مورد اشکال سازماندهی جنبش زنان و محتوای درخواستها آغاز گشت. درخواستهایی مانند ضرورت تعیین سهم عادلانه تعداد زنان در مقام‌های سیاسی، در کارخانه جات، کمیته‌های کارخانه و غیره، تدام سوبسیدهای دولتی برای مواد غذایی اولیه، کرایه خانه، فعالیت‌های فرهنگی و نهادهای نگهداری از کودکان والدین شاغل و... مطرح گشت که البته تلاشهایی برای حذف سوبسیدها در حال انجام بود.

در ادامه بحث‌ها، زنان حاضر در جلسه نسبت به اتحاد دو آلمان (جمهوری دموکراتیک آلمان و آلمان فدرال)*، اعاده رقابت در روند تولید، معیار سودآوری موسسات مالی و غیر مالی و... ابراز نگرانی غوده و تصور میکردند که این اقدامات می‌توانند به زیان زنان تمام شده و دستاوردهایی را که تاکنون بدست آورده اند از بین ببرد.**

و در خاتمه، زنان در رابطه با رشد اروپای در حال تکوین که به زیان کشورهای جهان سوم و عقب مانده تمام میشد به بحث نشستند.

در اینجا به سخنرانی غایبده یک گروه مستقل زنان روستایی، درباره شرایط زندگی، کار و درخواستهای مشخص آنان که در این جلسه مطرح گشت اشاره میکنیم.

متن سخنرانی نماینده زنان روستایی:

من در اینجا به نمایندگی از سوی زنان روستایمان صحبت میکنم. مدتی قبل تصمیم بر آن شد که تشکلی از زنان روستایی انجام پذیرد، این تشکل خود را بخشی از جنبش آتی مستقل زنان جمهوری دموکراتیک آلمان تلقی میکند، و خواهان آن است که دست به دست هم دهیم، برای همین ما نیز از بیانیه "اینا مرکل"*** حمایت خود را اعلام میداریم. اعضای مؤسس گروه ما عبارتند از دو زن بازنشسته، یک زن خانه دار، ده زن روستایی عضو تعاونی، شش کارمند اداری، دو فروشنده، یک پیشه ور، دو حسابدار، یک مهندس ساختمان، دو دامپزشک، یک پرستار، یک پزشک، دو تکنسین کشاورزی، دو معلم و یک زن نویسنده. اما نکته اصلی این موضوع این است که همه ما یک نقطه مشترک داریم و آن این است که اهل روستا هستیم! همه ما در اعماق روستای "مکلنبورگ" (Mecklenbourg) زندگی میکنیم و ستایشگر زیبایی های این محیط هستیم (خنده حضار). برای ما زنان روستایی نوسازی عمومی نوعی هراس را ایجاد نموده است و آن هراس از دست دادن چشم انداز یک پیشرفت عظیم اجتماعی-اقتصادی، امنیت و آزادی میباشد! در عین حال ما شاهد پیدایش یک مبارزه وسیع و گسترده علیه کمبودها و انحطاط های ساختاری، اقتصادی و اخلاقی نیز هستیم و خود نیز بطور کاملاً مشخص خواسته های ذیل را مطرح می نماییم:

۱. حفظ و دموکراتیک نمودن مداوم مالکیت اجتماعی تعاونی ها.

۲. برابری حقوق زنان و مردان در تمامی سطوح، در تمامی نهادها و سازمانها.

۳. حفظ و ادامه کمکهای دولتی در زمینه نگهداری از کودکان (چرا که صحتیهای درباره حذف این سوبسیدها در میان است)

۴. کاهش فصلی کار همانند مردان: در حالی که وظایف مردان بطور قابل توجهی همراه با کاهش کار در فصل زمستان تقلیل میابد اما کار زنان همچنان بصورت روز کاری و بمدت زمان هشت ساعت سازمان میابد تا قادر نباشند از این کاهش فصلی کار بهره مند گردند و این در حالی است که اضافه کاری فصل های دیگر، شامل حال زنان می شود!

۵. بهبود قابل توجه سرویس های حمل و نقل میان روستاها و شهرها (هرسال وضعیت وخیم تری پیدا میکند بطوری که در حال حاضر تقریباً حمل و نقلی وجود ندارد، و اگر ماشین در اختیار نداشته باشیم باید این راه را پیاده طی کنیم). این امر اساساً مسئله زنان است، مردان نه تنها وسیله نقلیه خانواده را در اختیار خود دارند که هیچ و در بدترین حالت نیز تراکتور متعلق به تعاونی را برای طی نمودن راه قرض میگیرند!

۶. بهبود واقعی وضع آذوقه روستاها بر پایه ایجاد یک مرکز تبادل محصولات، یعنی بر پایه عرضه کنونی در تجارت عمده، زیرا که روستاها وضعیت اسفناکی را از این لحاظ دارند و آنچه که با تصاویری زیبا، لذیذ و اشتها آور در مجلات و کاتالوگ ها پیشنهاد میگردد برای نمونه تصاویر آن موزه های معروف تنها معطوف به تصویر است و در واقعیت خبری از آنها نیست!

۷. برقراری مجدد فروش کالاها بصورت مکاتبه ای برای روستاییان همانند گذشته.

۸. حمایت از زنان و کودکانی که مورد ضرب و شتم قرار میگیرند (هم از جانب مردان مست و در بسیاری از موارد از جانب مردان هوشیار!) و اتخاذ اقدامات درمانی و اجتماعی علیه رشد و ریشه کن نمودن اعتیاد به مصرف الکل در روستاها که البته این شامل زنان نیز میگردد.

۹. شرکت در جلسات و میزگردها.***

۱۰. مشارکت زنان به نسبت تعدادشان در تمامی سطوح مدیریت (شهرها، فرمانداری ها و حوزه های استانی)

۱۱. توجه به مشکلات عدیده زنان روستاها در جنبش مستقل زنان در جمهوری دمکراتیک آلمان و تشریح مشکلات آنان در میزگردهای مرکزی.

بر هیچ کس پوشیده نیست که زنان روستاها دچار مشکلاتی سه گانه هستند. میدانیم که زنان روزها به کاری خارج از خانه مشغولند و شبها نیز به کار در خانه و سرویس دهی به سایر اعضای خانواده (خانه داری) ولی زنان روستایی عضو تعاونی، غالباً اوقات تولید خصوصی را نیز برعهده دارند که البته بطور چشمگیری رو به افزایش نیز میباشد، بدین معنا که همیشه سختترین و پست ترین کارها به زنان محول می گردد. مردان از تکنیک های مدرن و به روز که وظایفشان را سهل و آسان میکند بهره میبرند. سابقاً حیطة ای وجود داشت که جمهوری دمکراتیک آلمان بسیار روی آن تبلیغات مینمود

اینکه در اینجا زنان رانندگی و طرز کار با تراکتور و سایر ماشین الات کشاورزی را آموزش می دیدند اما در واقعیت زنان هرچه کمتر و کمتر بدین گونه از کارها گمارده می شوند و اغام این سلسله از کارها تنها بر عهده مردان است! تنها کاری که به زنان محول می شود جمع آوری سنگها و حمل آنها به داخل واگن ها میباشد و زمانی که واگنها پرمی شوند مردها تنها زحمت استارت زدن تراکتور و هدایت آن را به خود می دهند!

ما خواهان حمایت شما هستیم و از شما تقاضا داریم درباره ما و احقاق خواسته های ما باب گفتگو را باز غایبید.

ترجمه از نشریه فرانسوی زبان (Cahiers du Feminism) شماره ۵۲، در بهار ۱۹۹۰ اغام گرفته است. این مقاله برای نخستین بار در دفترهای کارگری سوسیالیستی شماره ۶ - مهر ۱۳۷۰ انتشار یافت.

ترجمه از: ستاره شهبابی

ویرایش و باز نویسی و تنظیم از: امیر ثابتی

پانویس

* در آن زمان هنوز اتحاد دو کشور موسوم به جمهوری دمکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان (آلمان شرقی و آلمان غربی) و فروریزی دیوار برلین (۱۹۹۰) که در اصطلاح سیاسی به آن دیوار آهنین" اطلاق میشد بوقوع نیبوسته بود.

** بطور مثال حق کار: در حال حاضر ۹۳٪ از زنان فعال (زیر سن بازنشستگی) شاغل هستند، قشر کرایه نشین تحت حمایت کامل هستند و حتی در صورت عدم پرداخت کرایه خانه غمی توان آنها را اخراج نمود.

*** اینا مرکل (Ina Merkel) از فعالین حقوق زنان بود که مانیفست مشهور خود موسوم به "مانیفست برای جنبش مستقل زنان" با سر موضوع "بدون زنان هیچ دولتی غمی تواند ساخته شود" در سوم دسامبر سال ۱۹۸۹ به رشته تحریر درآورد، اهم موارد ذکر شده در این مانیفست اعتراض به وضع موجود در خصوص حقوق زنان در آلمان شرقی و همچنین سایر کشورهای بلوک شرق بود بدین معنا که وی معتقد بود در این کشورها باید یکسری اصلاحات اساسی و بنیادی بموازات اصول سوسیالیسم در جهت حفظ حقوق زنان صورت پذیرد، شایان ذکر است که وی از حامیان اصلی "هلموت کهل" معروف به پدر وحدت دو آلمان برای بقدرت رسیدن بود.

****میزگرد: میزگردی که در سطح ملی، با شرکت نیروهای متفاوت برای بحث و گفتگو حول مسائل میرم جامعه تشکیل شده بود

(نگارخانه)

تصاویر زیر مربوط به گردهمایی زنان روستای "ملکنبورگ" در سالن اجتماعات دانشگاه برلین و همچنین برخی از تجمعات اعتراضی آنها در میدان "الکساندر پلاتس" (Alexanderplatz) از میدان اصلی شهر برلین میباشد.



